



دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»
دانشکده: فلسفه و اخلاق

رساله جهت اخذ درجه دکتری
رشته: فلسفه حقوق

عنوان:

بررسی انتقادی مبانی حقوق بشری مالکیت خصوصی

استاد راهنما:

دکتر محمود حکمت‌نیا

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمود عیسوی

نگارش:

عبدالله بهارلوئی

دی 1399

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیم

ماحصل آموخته‌هایم را تقدیم می‌کنم به آنان که مهر آسمانی شان آرام بخش آلام

زمینی ام است

به استوارترین تکیه گاهم، دستان پدرم

به سبزترین نگاه زندگیم، چشمان مادرم

تقدیم به همسرم

به پاس قدر دانی از قلبی آکنده از عشق و معرفت که محیطی سرشار از سلامت و

امنیت و آرامش و آسایش برای من فراهم آورده است،

تقدیر و تشکر

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت‌های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و درود بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجود شان است؛ و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان تا روز رستاخیز... به پاس قدر دانی از مقام شامخ معلم، ابتدا از استادان گرامیم جناب آقای دکتر محمود حکمت‌نیا، به عنوان استاد راهنما و حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمود عیسوی، به عنوان استاد مشاور بسیار سپاسگزارم چرا که بدون راهنماییهای ایشان تامين اين پايان نامه بسيار مشکل می نمود.

چکیده

از آنجا که نیازهای طبیعی و اولی هر انسانی، تغذیه، رشد و جلب منفعت برای خود می‌باشد، تأمین حداقل‌های زندگی برای انسان‌ها ضروری به نظر می‌رسد و مالکیت خصوصی می‌تواند به عنوان یک حق بشری و اولی، به ادای این درخواست بپردازد، مالکیت خصوصی رابطه‌ای است اختصاصی بین فرد با مال که منع دیگران را از انتفاع، موجب می‌شود. در این مالکیت، همه کاره افراد آن جامعه هستند و تصمیم‌گیری درباره منابع مالی در اختیار افراد است. اما این سوال که مبانی حقوق بشری مالکیت خصوصی چیست، ذهن کاوشگران این حوزه را به خود مشغول ساخته است. در توجیه بشری بودن مالکیت خصوصی، نظریات مختلفی ارائه شده است. این پژوهش در صدد بررسی نظری مبانی ارائه شده از سوی اندیشه‌ورزان این حوزه، در بشری و اولی بودن حق مالکیت، می‌باشد و نظر اسلام را در این مسئله، بیان و مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد و بعضی حق مالکیت خصوصی را همچون حق حیات یک حق طبیعی اولی، و ذاتی می‌شمارد و برخی، آن را در راستای حق حیات، حق کرامت و حق آزادی انسان دانسته و یا بر فطری بودن آن تأکید دارند، نظریه‌ی اولین تصرف، نظریه‌ی کار، نظریه‌ی اراده‌ی معطوف به تملک، در این امتداد می‌باشد. از سوی دیگر، فقهای امامیه، اعتقاد به مالکیت اعتباری قبل الاجتماع انسان بوده که در مسیر مالکیت حقیقی خداوند است. و این مالکیت را عطیه‌ی الهی برای برآورده شدن حاجات انسانی، در تدبیر امور دنیوی و اخروی خود می‌دانند که به نظریه‌ی جاز شینی و امامت معروف است. و از نتایج این نظریه این است که مالکیت خصوصی در عین حال که مورد احترام است، مطلق نیست و تهی محصور در انسانیت، اخلاق، عدالت، مصلحت و عدم ضرر و اضرار به دیگران

است و آزادی افراد در مالکیت خصوصی به این معنا نیست که دیگران حقی در مالکیت او نداشته باشند. بر این اساس اسلام به مالکیت عادلانه و متعادل می‌اندیشد و برقراری قسط و عدالت را توصیه می‌نماید و در تعارض میان مالکیت و منافع عمومی، سلب و تجدید مالکیت معنا پیدا می‌کند. واژگان کلیدی: مالکیت خصوصی، مبانی، مالکیت اعتباری، حق بشری، جانشینی.

فهرست مطالب

مقدمه	۶
۱. بیان مسئله:	۹
۲. سوال اصلی تحقیق:	۱۴
۳. سوال های فرعی:	۱۴
۴. اهمیت مساله و ضرورت تحقیق:	۱۴
۵. پیشینه تحقیق:	۱۵
۶. نوآوری تحقیق:	۱۷
۷. هدف تحقیق:	۱۸
۸. فرضیه های تحقیق:	۱۸
فصل اول: مفاهیم و کلیات	۲۱
گفتار اول: مفاهیم	۲۲
۱. مفهوم مالکیت	۲۲
۱-۱. مالکیت در لغت	۲۲
۱-۲. در اصطلاح	۲۳
۱-۳. مالکیت در قانون	۲۳
۱-۴. مالکیت در اصطلاح فقهاء	۲۴
۱-۵. مالکیت در اصطلاح حقوقدانان	۲۵
۱-۶. تفاوت مالکیت و ملکیت	۲۶
۲. عناوین مشابه	۲۷
۲-۱. حق	۲۷
۲-۲. تصرف	۲۹
گفتار دوم: کلیات	۳۰
۱. تاریخچه مالکیت	۳۰

۱-۱. تاریخچه‌ی مالکیت در میان اندیشمندان اسلامی	۳۰
۱-۲. تاریخچه مالکیت در غرب	۳۳
۲. انواع مالکیت	۳۹
۱-۲. مالکیت خصوصی در مقابل مالکیت اشتراکی	۳۹
۲-۲. مالکیت خصوصی در مقابل مالکیت دولتی و عمومی	۴۰
۲-۳. عینی بودن مالکیت	۴۲
۳. مالکیت حقیقی و اعتباری	۴۵
۴. ماهیت مالکیت	۴۸
۴-۱. در نظر حقوقدانان	۴۸
۴-۲. در نزد فقهاء	۵۱
۵. امتیازات مالکیت	۵۵
۵-۱. حق استعمال	۵۵
۵-۲. حق استغلال یا استثمار	۵۶
۵-۳. حق اخراج از مالکیت	۵۷
۶. صفات مالکیت	۵۸
۶-۱. مطلق بودن	۵۸
۶-۲. دائمی بودن:	۵۹
۶-۳. انحصاری بودن	۵۹
فصل دوم: مبانی مالکیت خصوصی	۶۰
گفتار اول: مبانی پوزیتیویستی مالکیت خصوصی	۶۱
۱. ارسطو و مالکیت خصوصی	۶۳
۲. توماس آکویناس و مالکیت خصوصی	۶۶
۳. فایده گرایی و رد طبیعی و حقوق بشری بودن مالکیت خصوصی	۶۸
۴. مالکیت خصوصی بر مبنای قرارداد اجتماعی	۷۰
گفتار دوم: مبانی حقوق بشری مالکیت خصوصی	۷۸
۱. مالکیت به عنوان حق اولی و حقوق بشری	۷۸

۱- ۱. تعریف حقوق بشر.....	۷۹
۱- ۲. ویژگیهای حقوق بشر.....	۸۰
۱- ۳. مبانی حقوق بشر.....	۸۲
۱- ۴. مالکیت از مصادیق حقوق بشر.....	۸۸
۲. مالکیت خصوصی مبتنی بر حق حیات.....	۹۱
۳. کرامت انسانی.....	۹۵
۴. فطری بودن مالکیت خصوصی.....	۱۰۱
۵. مالکیت خصوصی بر مبنای آزادی.....	۱۰۶
۶. نظریه اولین تصرف.....	۱۱۰
۷. نظریه اراده معطوف به تملک.....	۱۱۷
۸. نظریه کار.....	۱۲۴
۹. نظریه امانت (مختار).....	۱۳۱
گفتار سوم: ادله مخالفین مالکیت خصوصی.....	۱۴۸
۱. آرمانشهر افلاطونی.....	۱۴۸
۲. سوسیالیسم.....	۱۵۲
۳. مارکسیسم.....	۱۵۴
فصل سوم: محدودیت و ممنوعیت مالکیت خصوصی.....	۱۵۸
گفتار اول: مبانی نظری محدودیت های مالکیت خصوصی در حقوق و فقه.....	۱۵۹
۱. مبانی نظری محدودیت های مالکیت خصوصی در حقوق.....	۱۵۹
۱- ۱. نظریه اطلاق مالکیت خصوصی.....	۱۵۹
۱- ۲. نظریه محدودیت مالکیت خصوصی بر اساس قصد اضرار.....	۱۶۰
۱- ۳. نظریه تقصیر در اعمال حق.....	۱۶۲
۱- ۴. نظریه خطر.....	۱۶۵
۱- ۵. نظریه غایت اجتماعی حق.....	۱۶۷
۱- ۶. نظریه مختلط.....	۱۶۹
گفتار دوم: مبانی نظری محدودیتهای مالکیت خصوصی در فقه.....	۱۷۱

۱. نظریه نفی ضرر در حقوق اسلامی..... ۱۷۳
۲. معیار مسوولیت مدنی در حقوق موضوعه ایران..... ۱۷۵
۳. محدودیت و ممنوعیت مالکیت خصوصی در اسلام..... ۱۸۰
- ۳-۱. اصول نظام اقتصادی در اسلام..... ۱۸۵
- ۳-۲. اهمیت و جایگاه عدالت در تحدید مالکیت خصوصی در اسلام..... ۱۸۶
- ۳-۳. محدودیتهای مصرف..... ۱۹۰
- ۳-۳-۱. اسراف..... ۱۹۰
- ۳-۳-۲. تبذیر..... ۱۹۱
- ۳-۳-۳. مصارف حرام..... ۱۹۲
- ۳-۳-۴. محدودیت بر اساس مصلحت..... ۱۹۲
- ۳-۳-۵. حق عموم در محدودیت مالکیت خصوصی..... ۱۹۳
- ۳-۳-۶. حق فقرا در اموال اغنیا..... ۱۹۴
- ۳-۳-۷. حق افراد در اموال بستگان..... ۱۹۵
- ۳-۴. تعارض حق مالکیت و دیگر حقوق..... ۱۹۵
- ۳-۵. محدودیت بر اساس منشا آن..... ۲۰۰
- ۳-۶. محدودیتهای مالکیت بر اساس منافع شخصی ذینفع..... ۲۰۱
- ۳-۷. محدودیتهای مالکیت بر اساس مراحل تملک، استفاده و اخراج از ملکیت..... ۲۰۲
- ۳-۷-۱. مرحله ی اول..... ۲۰۲
- الف. منع تملک اموال عمومی..... ۲۰۲
- ب. منع تملک اشیاء مضر و نامشروع..... ۲۰۳
- ج. ممنوعیت تملک اعضای بدن انسان..... ۲۰۳
- ۳-۷-۲. مرحله ی استفاده..... ۲۰۳
- ۳-۷-۳. مرحله ی خارج شدن مال از مالکیت..... ۲۰۵
- ۳-۸. محدودیت اختیارات ولی امر..... ۲۰۵
- ۳-۸-۱. محدودیت درآمد بر اساس اختیارات ولیامر..... ۲۰۵
- ۳-۸-۲. قاعده ی ولایت ممتنع..... ۲۰۷
- ۳-۹. محدودیت درآمد براساس عناوین «ثانوی»..... ۲۰۸

۳- ۱۰. محدودیت درآمد براساس ممنوعیت برخی از معاملات و کسبها.. ۲۱۰

۳- ۱۱. محدودیت ناشی از پرداخت مالیاتها..... ۲۱۱

۳- ۱۲. محدودیت زمانی (ارث)..... ۲۱۲

۳- ۱۳. محدودیت بر اساس ممنوعیت احتکار..... ۲۱۲

۳- ۱۴. محدوده دخالت دولت در مالکیت خصوصی ۲۱۵

نتیجه گیری نهایی..... ۲۲۰

فهرست منابع ۲۲۵

۱. کتابهای فارسی ۲۲۵

۲. کتابهای عربی..... ۲۳۲

۳. مقالات..... ۲۳۵

۴. پایان نامه ۲۳۶

۵. منابع انگلیسی ۲۳۶

مقدمه

بشر از اولین روزی که در روی زمین سکونت کرده به شهادت تاریخ، اصل مالکیت را فی‌الجمله (اعم از خصوصی و اشتراکی) به رسمیت شناخته است و مهم‌ترین حق از حقوق بنیادی که از دیرباز بشر به آن توجه کرده، حق مالکیت است. از آن زمان که انسان اطرافش را شناخت، برای خویش حریمی مشخص کرد تا دیگران بدان تعدی نکنند. همین حق یا سلطه به اشیای متعلق به وی نیز تسری یافت. بدیهی است که پیشینه طولانی حق مالکیت و تداوم آن در زندگی اجتماعی انسان، جایگاهی رفیع و نیز پربارتر را در مقایسه با دیگر حقوق بنیادی که در مقایسه با آن بسیار جدیدتر هستند، برای این حق به ارمغان می‌آورد. مالکیت اشتراکی، نوعی از نظام اداره‌ی اموال در میان جوامع می‌باشد که بر اساس آن، اموال موجود در جامعه به همه‌ی افراد جامعه تعلق دارد و افراد صرفاً حق بهره‌مندی از آن اموال را دارند، البته به نحوی که مانع استفاده سایر افراد جامعه نگردد. مالکیت خصوصی رابطه‌ای است اختصاصی بین فرد با مال که منع دیگران را از انتفاع موجب می‌شود. در این مالکیت، همه کاره افراد حقیقی آن جامعه هستند و تصمیم‌گیری درباره منابع مالی در اختیار افراد است، فردی که شیء ساخته و یا آن را یافته است، صاحب اختیار آن است. او با اندیشه و ابتکار خود و بدون نیاز به توضیح و تعیین تکلیف دیگران می‌تواند درباره آن شیء تصمیم‌گیری نموده و در صورت صلاحدید با دیگران شراکت نماید. حق مالکیت خصوصی، برای نخستین بار به عنوان یک حق ذاتی و طبیعی در اعلامیه‌ی حقوق بشر مصوب 1789م فرانسه، قبل از انقلاب کبیر فرانسه، مطرح شده که در ماده‌ی دوم آن از آزادی، مالکیت و امنیت نام می‌برد.¹ در ماده‌ی 17، مالکیت حق مقدس شمرده،² و تأکید می‌کند که نمی‌توان کسی

1. محمد زرنگ، سرگذشت قانون اساسی در سه کشور ایران، فرانسه و آمریکا، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1384، ص 213.

2. آلبر، ماله و ژول، ایزاک، تاریخ قرن هجدهم، ترجمه رشید یاسمی، تهران، ذبیای کتاب و علمی، چاپ اول،

را از آن محروم نمود، مگر ضرورت عمومی مقتضی آن باشد که در این صورت، همه باید با پرداخت خسارت به مالک، آن را عادلانه جبران کنند.^۱

این اصل به قوانین اساسی کشورهای مختلف از جمله: آمریکا، فرانسه و... وارد شد و در متمم قانون اساسی مشروطه و در اصول 6، 9، 15، 16، 17 بدان اشاره شده است.^۲

در اعلامیه جهانی حقوق بشر 1948، این حقوق به عنوان یک حق ذاتی و بنیادین در سطح بین المللی پذیرفته شد، که در ماده 30 این اعلامیه، این حق در کنار حق حیات، آزادی، امنیت، به عنوان یک حق بنیادین و اساسی شناسایی شد و در ماده 17 به طور اختصاصی بدان اشاره شد. در اعلامیه‌ی حقوق بشر اسلامی 1990 در ماده‌ی 15 نیز به این حق اشاره شده.^۳ و در حال حاضر حق مالکیت، به عنوان یک حق اساسی و بنیادین، در قانون اساسی بیشتر کشورها شناسایی شده و به عنوان یکی از عناصر مشترک قوانین اساسی به شمار می‌رود.^۴

این اصل در قرآن کریم با الفاظ مختلفی مانند مال، ملک و جانشینی افراد، در تصرف اموال و... و در مواردی به صحت و اعتبار عقود^۵ و حرمت تصرف بدون اجازه در اموال دیگران، اشاره نموده که از لوازم مالکیت می‌باشد. و در آیاتی، صراحتاً به مشروعیت مالکیت افراد اشاره شده، «لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض»^۶ «خداوند خواهان مال‌های شما نیست»^۷ و در روایات، احترام مال مسلمان، همانند احترام خون او تلقی شده است. نظریات اندیشمندان غربی و اسلامی در مورد نهاد مالکیت خصوصی بیانگر اهمیت آن، در تعیین خط مشی فکری مکاتب گوناگون دارد. یکی از اندیشه‌هایی که تأثیر و نفوذ گسترده‌ای در شناسایی این حق، نظریه‌ی بشری و ذاتی بودن حق مالکیت و دیدگاه طرفداران آن در این زمینه است. بنابراین حق

1363، ص 397.

1. همان.

2. محمد امین، بهمنی، قانون اساسی ایران از مشروطه تا به امروز، تهران، مجد، 1393، ص 35.

3. هوشنگ، ناصرزاده، اعلامیه‌های حقوق بشر، تهران، جهاد دانشگاهی، 1372، ص 29.

4. رابرت آل، مدکس، قوانین اساسی کشورهای جهان، ترجمه سید مقداد ترابی، تهران، شهردانش، چاپ دوم، 1385، ص 21.

5. سوره بقره، آیه 275.

6. سوره نساء، آیه 29.

7. سوره محمد، آیه 36.

مالکیت را می‌توان در کنار حق حیات قرار داد و اثبات چنین حقی منوط به اراده تشریعی قانون‌گذار، یا توافق اجتماعی نیست. بلکه حقی طبیعی است، که جامعه باید آن را به رسمیت بشناسد، و اگر این حق به طور کامل نادیده گرفته شود، آن حکومت و جامعه فاقد مشروعیت است. حقوق بشر، به گمان بسیاری از متفکرین، آن دسته از حق‌های طبیعی است که به همه‌ی ابنای بشر، فارغ از هر نوع خصوصیت، تعلق دارد.^۱ این حقوق طبیعی، عقلانی بوده و مقتضای فطرت بشر می‌باشد، و عقل بر آن حکم می‌نماید. بشر به شرطی می‌تواند قوانینی را وضع کند، که با این حقوق طبیعی، در تعارض نباشد^۲ در کنار این تئوری، بیان اندیشه‌های اسلامی، در شناسایی مفهوم مالکیت و حقوق مربوط به آن، بسیار حیاتی است، زیرا در تعیین محدوده‌ی این حق، نقش بسزایی دارد. این نحله‌ی فکری می‌تواند ساختار خوبی را در نظریه‌ی مالکیت ارائه نموده و ماهیت و حدود آن را به خوبی تبیین نماید. مالکیت فردی در افزایش انگیزه‌ی کار و تلاش، برای افزودن کارآیی و رشد اقتصادی سهم بسزایی دارد.^۳ البته از آنجا که مالکیت بی حد و حصر و آزادی مطلق مالک به تصرفات در مایملک خویش، موجب طغیان و سرکشی آدمی شده، هرج و مرج، فساد و تباهی جوامع را در پی دارد از دیرباز تحدید آن به حکم عقل در میان ملل و نحل وجود داشته و با گذشت زمان همراه با گسترش ابعاد مالکیت، توسعه یافته است.

۱. مصطفی، دانش‌پژوه، جواد، عابدینی، فلسفه حقوق، قم، موسسه امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۹۸، ص ۱۶۶.

۲. محمدعلی، موحد، در هوای حق و عدالت (از حقوق طبیعی تا حقوق بشر)، تهران، انتشارات کارنامه، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۲۴۸.

۳. علی، احمدی میانجی، مالکیت خصوصی در اسلام، قم، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۷۰.

1. بیان مسئله:

مالکیت خصوصی از مهم‌ترین حقوق افراد، در جامعه است و در قلب حقوق خصوصی جای دارد و حتی گفته می‌شود نهاد مالکیت، جهانی صغیر در دل حقوق است. اهمیت و قدمت مالکیت باعث شده است، این نهاد حقوقی، نهادی پیچیده، متراکم، مبهم، دشوار و پرتنید باشد به طوری که برخی، ابهام مالکیت را هم ردیف با ابهام عدالت دانسته‌اند. در تاریخ اندیشه غربی مسئله‌ی مالکیت همیشه مورد توجه اندیشه ورزان بوده و تقریباً همه اندیشمندان بزرگ و مکاتب فلسفه‌ی سیاسی و اقتصادی در مورد مسئله‌ی مالکیت نظریه ارائه داده‌اند و موضع خود را در قبال نفی و اثبات مشروعیت مالکیت خصوصی بیان نموده‌اند. دو نظریه پوزیتیویستی و حق طبیعی بشری بودن مالکیت خصوصی در تایید آن و نظریه اتوپیاپی در نفی آن مطرح شده است.

حق مالکیت برای نخستین بار در سطح بین الملل و در قوانین رسمی کشورها به عنوان یک حق ذاتی و طبیعی در اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروند فرانسه پس از انقلاب کبیر فرانسه مطرح شد که در ماده‌ی دوم آن از آزادی، مالکیت، امنیت و... نام می‌برد^۱ و در ماده‌ی ۱۷ مالکیت را از حقوق محترمه و مقدسه می‌داند و تاکید می‌کند که نمی‌توان کسی را از آن محروم نمود، مگر ضرورت عمومی مقتضی آن باشد که در این صورت هم باید با پرداخت خسارت مالک عادلانه جبران گردد.^۲ این اصل به قوانین اساسی کشورهای مختلف از جمله آمریکا، فرانسه و... وارد شد و در متمم قانون اساسی مشروطه و در اصول ۱۷، ۱۵، ۹، ۶ بدان اشاره شده است.^۳ در اعلامیه‌ی جهان حقوق بشر ۱۹۴۸ این حقوق به عنوان یک حق ذاتی و بنیادین در سطح بین‌المللی پذیرفته شد که در ماده ۳۰ این اعلامیه این حق در کنار حق حیات، آزادی، امنیت و... به عنوان یک حق بنیادین و اساسی شناسایی شد و در ماده ۱۷ به طور اختصاصی بدان اشاره شد. در اعلامیه حقوق بشر اسلامی ۱۹۹۰ در ماده‌ی ۱۵ نیز به این حق اشاره شده^۴ و در حال حاضر حق مالکیت به

1. محمد، زرننگ، همان.

2. آبر، ماله، همان.

3. محمد امین، بهمنی، همان.

4. هوشنگ، ناصرزاده، همان.

عنوان یک حق اساسی و بنیادین در قانون اساسی بیشتر کشورها شناسایی شده و به عنوان یکی از عناصر مشترک قوانین اساسی به شمار می‌رود.^۱

بحث اساسی در این است که این حق به وسیله جامعه و دولت‌ها ایجاد شده یا منشا حقوق بشری دارد و به عبارت دیگر این حق قبل از جامعه وجود داشته یا نه، ما در این رساله در صدد بیان مبانی حقوق بشری مالکیت خصوصی و اثبات این حق پیشین می‌باشیم، و همچنین ایجاد ارتباط میان مالکیت و مصادیق حقوق بشر، مانند حق حیات، حق آزادی، کرامت و و در ادامه به چگونگی احترام به آن، حدود این حق، نسبت دولت و مالکیت و وظیفه مردم در قبال آن خواهیم پرداخت.

اولین نظریه غربی در باب موجه سازی مالکیت خصوصی بر مبنای حقوق بشری در قالب اولین تصرف از آن هوگو گروسیوس فیلسوف هلندی می‌باشد^۲

جان لاک، حق مالکیت را یک اصل اولی و حقوق بشری می‌دانست که مقدم بر دولت و قوانین موضوع آن، اعتبار دارد؛ به گونه ای که اصلی ترین دلیل تشکیل دولت را صیانت از مالکیت شهروندان می‌دانست. همچنین لاک معتقد است همان‌طور که انسان مالک خویش است مالک نتیجه کار خود هم هست. بنابراین، انسان با کار بر روی طبیعت نتیجه به دست آمده را مالک می‌شود.^۳

راه دیگر برای اثبات حقوق بشری بودن مالکیت در اندیشه فیثته یوهان می باشد. او اثر گذاری انسان را در جهان تنها وابسته به اراده‌ی فرد و بیرون از هر علت خارجی می‌داند، برای تملک یک شیء ضرورتی ندارد که فرد آن را ایجاد یا در آن تغییری بدهد بلکه فقط کافی است که اراده خود را معطوف به تملک یا چیز نماید حتی اگر برای منظور او تغییر در آن چیز نیاز نباشد. آنچه در اندیشه تابع غایات من است جزء اموال من است.^۴ هگل اندیشمند دیگری است که

۱. رابرت آل، مدکس، همان.

۲. هوگو، گروسیوس، حقوق جنگ و صلح، شهردانش، ۱۳۹۵، ص ۱۷۸.

۳. جان، لاک، دو رساله در باب حکومت، نشر نی، ۱۳۸۷، از صفحه ۹۳ تا ۱۱۵.

۴. یوهان گوتلیب، فیثته، بنیاد حق طبیعی بر اساس اصول آموزه‌ی دانش، ترجمه سید مسعود حسینی، تهران، ققنوس، ۱۳۹۸، ص ۳۴.

مالکیت را به عنوان جانشینی سوژکتیویته‌ی محض شخصیت می‌داند و قائل است شخص در مقام یک موجود عاقل تا زمانی که دارایی نداشته باشد وجود ندارد. او مالکیت را ظرف تحقق آزادی و اراده‌ی انسان در مقام یک شخص یا یک موجود عقلانی می‌بیند. البته وی صرف اراده را موجب کسب مالکیت نمی‌داند و عمل تملک را ضروری می‌داند و تملک را منحصر در سه راه تصرف فیزیکی، شکل دادن به یک چیز، صرف اعلام مالکیت، می‌داند که سومی را کامل‌ترین شکل مالکیت می‌داند.^۱ مسیر دیگر برای اثبات حق مالکیت، کرامت انسانی و حق تعیین سرنوشت می‌باشد، بر این اساس انسان دارای احترام، شرافت و عزت است و مرکز حقوق می‌باشد. در این راستا و برای پاسداری از این حق، حداقلی از مالکیت، جهت تضمین این حق لازم است و حکومت‌ها موظف به تأمین این حق برای تمام افراد جامعه می‌باشند، در غیر این صورت این کرامت در اثر فقر و تعرض افراد به یکدیگر مورد تجاوز قرار گرفته و از بین می‌رود. در قرون بعدی هم نظریات مختلفی درباره مبانی حقوق بشری مالکیت مطرح شد که هریک ثمرات گوناگونی در اندیشه‌ی اقتصادی و حقوقی داشته است. برای مثال نظریه‌ی اولین تصرف کانت در کتاب^۲ در این میان بعضی مانند علامه طباطبایی اصل مالکیت را به فطری بودن آن در نهاد انسان برمی‌گردانند.^۳ و آن را یک حق فطری، ذاتی، غریزی و بشری می‌دانند، که میل به آن در طبیعت انسان نهادینه شده است. در این نظریه منشأ مالکیت خصوصی، به فطرت و طبیعت بشر بر می‌گردد. برخی دیگر آن را مبتنی بر ذات آزادی‌خواه انسان می‌دانند و تصرف در اموال تحت اختیارش را حق انکار ناپذیر انسان می‌دانند و همین شناخت انسان از خود موجب شده است تا بشر ذاتاً به دنبال تثبیت حقی تحت عنوان حق مالکیت باشد،^۴ برخی دیگر آن را بر مبنای نظریه کار توجیه می‌کند و معتقد است که بر طبق عقل طبیعی، انسان برای دوام، بقا و امرار معاش خود باید کار کند تا بتواند زندگی کند، وقتی کارکرد مثلاً میوه درختی را چید مالک آن می‌شود.

1. فریدریش، هگل، عناصر فلسفه‌ی حق، ترجمه‌ی مهرداد ایرانی طلب، تهران، نشر قطره، 1387.

2. ایمانوئل، کانت، مبانی مابعدالطبیعی، تعلیم حق (فلسفه حقوق)، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، انتشارات نقش و نگار، چاپ اول، 1380، ص 106.

3. سیدمحمدحسین، طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد 13، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، 1417ق، ص 253.

4. Ryan, Alan, Property and Political theory, Basil Blackwell inc First Published, 1984, p17.

اما برخی آن را یکی از مصادیق حقوق بشر در کنار حق حیات می‌دانند، که بعد حیوانی انسان به آن دلالت دارد. نفس حیوانی است که دارای دو قوه مدرکه و محرکه است^۱ که به ادراک امور جزئی، مانند ادراکات حسی و حرکت اختیاری که از قوه غضبیه در دفاع از خود، یا قوه شهویه، در جلب منفعت ناشی می‌شود، می‌پردازد. در این مرتبه، حق آزادی به منظور حفظ حیات، و دفاع از خود و حق مالکیت در جلب منافع مادی، از مصادیق حقوق بشر می‌باشد

اما از نظر برخی علمای اسلام مالکیت حقی است که فرایند جانشینی انسان برای خدا می‌باشد، که بازتابنده دیدگاه ویژه اسلام در تشریع مالکیت بر اموال است چون در بینش اسلامی، همه دارایی‌ها از آن خداست و خداوند گاه افرادی را برای حفظ و مدیریت بیت اموال جانشین خود می‌سازد در این نوع قانون‌گذاری، این جانشینی مالکیت نامیده می‌شود این حق از خداوند به همه ابناء بشر داده شده که خود نوعی از حق بشری است در کنار بقیه حقوق که از خداوند به انسانها رسیده است.^۲

شبیه این دیدگاه را پوتیه مطرح کرده است. که توسط برخی از کشیشان نیز ارایه شده است. برای مثال با ستیات با تحلیلی که از انسان ارایه می‌دهد حیات را هدیه‌ای از جانب خداوند می‌داند که شامل همه افراد می‌شود و آن را به حیات فیزیکی، فکری، و اخلاقی تقسیم می‌کند. از منظر با ستیات، حیات نمی‌تواند خود را به تنهایی حفظ کند و خالق حیات، به ما مسئولیت داده است تا آن را حفظ کرده و به توسعه و تکامل آن پردازیم. حفظ، توسعه و تکامل حیات از طریق منابع طبیعی و قوایی صورت می‌گیرد که خداوند در اختیار انسان قرار داده است. انسان از طریق اعمال قوای خود به منابع طبیعی، آنها را به محصولات تبدیل و از آن استفاده می‌کند. این فرآیند در راستای اینکه حیات در مسیر مشخص شده خود پیش برود ضروری است بنابراین حیات، قوا و تولید (شخصیت، آزادی و مالکیت) عناصر تشکیل‌دهنده انسان است. این سه هدیه از جانب خدا بر قانون‌گذاری بشری تقدم دارد و برتر از آن است. با ستیات نتیجه می‌گیرد که حیات، آزادی و مالکیت در نتیجه قانون‌گذاری به وجود نیامده است، بلکه پیش از قانون‌گذاری بشری وجود داشته

1. نصیرالدین محمد، طوسی، شرح الاشارات و التنبیها، نشرالبلاغه، 1375، ص 408.

2. سیدمحمدباقر، صدر، اقتصادنا، ترجمه سیدمحمد مهدی برهانی، انتشارات دارالصدر، 1393، ص 338.

است. توماس آکویناس با تحلیلی که از انسان ارائه می‌دهد وظیفه حفظ نفس را بر اساس قانون طبیعی اثبات نموده که انجام چنین وظیفه‌ای مستلزم استفاده از منابع بیرونی است. این میزان از استلزام تنها می‌تواند استفاده مشترک انسان از طبیعت را اثبات کند.

در این رساله در صدد اثبات پیشینی و طبیعی و حقوق بشری بودن مالکیت خصوصی هستیم که برای رسیدن به این هدف ابتداء، باید به اثبات فلسفی قبل الاجتماع بودن مالکیت خصوصی بپردازیم نه مابعد الاجتماع بودن آن که مبنای مالکیت خصوصی پوزیتیویستی است که آن را فقط در قالب جامعه و پس از تشکیل آن و بر اثر قرارداد می‌دانند. در قدم بعدی متذکر این مسئله خواهیم شد که درباره حقوق بشری بودن مالکیت خصوصی هم دو مرحله از بحث وجود دارد. یکی اولی و ذاتی بودن مالکیت خصوصی است که به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر در کنار حقوق دیگر مانند حق حیات، حق آزادی و حق کرامت و... می‌باشد، این نکته اگرچه در اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر، چه غربی و چه اسلامی و یا قوانین اساسی کشورها ذکر شده اما در اثبات فلسفی و حقوقی آن به طور مستقل، تلاشی صورت نگرفته، که ما در این رساله به اثبات آن خواهیم پرداخت. بعد از آن باید به اثبات حقوق بشری بودن مالکیت خصوصی بر اساس مصادیق حقوق بشر و مترتب بر آنها مانند حق حیات، حق آزادی، حق کرامت، فطرت، اراده و... خواهیم پرداخت که سوال اصلی این پژوهش را به خود اختصاص داده است. در این بخش با توجه به نظرات ارائه شده در این زمینه، در قالب 8 مورد به تبیین و اثبات آن خواهیم پرداخت که البته از نظر ما، بسیاری از این نظرات با اشکال روبرو هستند و اساساً یا نمی‌توانند مالکیت خصوصی را ثابت نمایند و یا در صورت اثبات، آن را نمی‌توانند به صورت مطلق ثابت نمایند که در این مرحله ما با بیان نظرات و اشکالات این نظریات به تبیین نظر کامل و صحیح در این زمینه پرداخته و مالکیت خصوصی را بطور مطلق ثابت خواهیم نمود. در این میان به تئوری ارائه شده از سوی برخی از فقهای اسلامی و نظر آنها در این زمینه خواهیم پرداخت که در قالب مکتب اقتصادی و اخلاقی مورد بحث قرار می‌گیرد. و در پایان بعد از اثبات حقوق بشری بودن آن به مرزهای ممنوعیت مالکیت خصوصی از نظر فقهی و حقوقی و حیطه احترام به آن و نحوه سلب مالکیت خصوصی خواهیم پرداخت.

2. سوال اصلی تحقیق :

مبنای حقوق بشری مالکیت خصوصی چیست؟

3. سوال های فرعی :

1. ماهیت مالکیت چیست؟

2. نسبت مالکیت با مصادیق حقوق بشر مانند حق حیات؛ آزادی و... چیست؟

3. آیا مالکیت می تواند یک حق اولی بشری باشد؟

4. مبنای حقوق بشری مالکیت خصوصی از منظر اسلام چیست؟

5. مرزهای دخالت دولت در مالکیت خصوصی چیست؟

6. میزان محدودیت و ممنوعیت مالکیت خصوصی در اسلام چیست؟

4. اهمیت مساله و ضرورت تحقیق:

مسئله ی مالکیت در اندیشه ی غربی تاریخ طولانی دارد و همین سبب انباشت نظریه های بنیادین مختلف در این حوزه در اندیشه ی غربی شده است. بنابراین قانون گذار در این کشورها با پذیرش یکی از این نظریات و نفی سایر نظریه ها، آن را در نظام حقوقی خود جاری کرده و نظامی منسجم در حقوق مربوط به مالکیت در جامعه خود ایجاد می کند.

در حقوق ایران بر مبنای اندیشه ی فقهی، توجه اندیشمندان بیشتر معطوف به احکام و آثار مالکیت بوده است و همین عدم نگاه مبنایی و بنیادی موجب ایجاد مشکلاتی برای نظم حقوقی خواهد بود.

در قانون مدنی ایران در باب دوم از کتاب اول (اموال و مالکیت)، بدون تعریف مالکیت و ماهیت آن و مبنا و منشاء مالکیت خصوصی، موضع قانون مدنی در مورد آثار این مالکیت ابراز شده است.

ماده ۳۰ - هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد .

ماده ۳۱ - هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی تواند بیرون کرد مگر به حکم قانون .

برداشت رایج در مورد این ماده به رسمیت شناخته شدن مالکیت خصوصی و حمایت قانون